

در ارتباط با مسائل اکراین

این روزها در برخی از محافل بی نام و یا بانام زمزمه هائی بگوش میرسد که گویا پوتین در مقابل اتلانتیست ها و جنایتکاران غربی بر سر اکراین، ایستاده است. مانورها و تبلیغات شدید در جلوی دروین ها و خط و نشان کشی های متقابل، به این توهم در نزد جوانان و کسانی که در زمینه های سیاسی تجربه کمتری دارند، دامن می زند، که آنرا بخوبی می توان مشاهده کرد. ولی باید تاکید کنیم مردم ما که تجربه های سالهای قیام را دارند، در دام چنین سناریوهای فریبکارانه نمی افتند. چرا که نمونه این جنگ های زرگری را در دیگر کشورهای جهان نیز مشاهده کرده و می کنند.

گفتیم "جنگ" زرگری! بدین معنی که غارتگران و متجاوزین به جان و مال و زندگی مردم، تلاش می کنند دعواهای درونی خودشان را که بر سر غارت و تقسیم منابع و ثروت های ملل جهان است، تحت نام دفاع از حقوق مردم، دموکراسی و آزادی، چهره "انسانی" بخشند. اخیرا اینجا و آنجا شنیده می شود برخی پوتین را بخاطر شعارهائی که در رسانه های گروهی سر میدهد، ضد امپریالیست نامیده و از همه بدتر، روسیه را در زمره کشورهای امپریالیستی نمی شمارند و انگار در دنیا فقط چند کشور، از آنجمله آمریکا، سرکرده امپریالیسم و انگلیس هستند، حال کشورهای مثل اسپانیا، یونان، ایتالیا، پرتغال ... و نیز کشورهای جنوب شرقی آسیا، کره، ژاپن، چین و غیره از نظر اینها چه نامیده می شوند، برای ما معلوم نیست. این نوع درک از امپریالیسم و نظام سرمایه داری نشان میدهد که جنبش انقلابی ما در پائین ترین مرحله از طفولیت اش قرار دارد و حتی هدف از جهانی سازی سرمایه را بتوسط امپریالیسم، آنهم بعد از فروپاشی اردوگاه رویونیسم، بدرستی دریافت نکرده است. امیدواریم هر چه زود تر در مورد مسئله اکراین به یک تحلیل منطبق بر واقعیت دسترسی پیدا کنیم، تا به سهم خود به این ضرورت ها پاسخ داده باشیم.

فکر می کنیم مردم ما بخوبی می دانند که پوتین همانقدر ضد امپریالیسم و یا ضد اتلانتیسم است که خمینی و یارانش بخصوص رفسنجانی و دیگران و آن احمدی نژادی که ما می شناسیم اش. سخن کوتاه ما در این نوشته قصد نداریم به تحلیل همه جانبه به وضع اکراین بپردازیم، ضمن اینکه وظیفه انقلابی و ادار می کند، کارهای نیمه تمام خود را به سر انجام برسانیم. حال باید پرسید:

- ۱- مگر همین روسیه نبود که بعد از مرگ استالین بر سر کودتای ۱۳۳۲ با غرب معامله کرد؟
- ۲- مگر همین روسیه نبود که کارخانه ذوب آهن را به ایران داد، تا این کارخانه برای ماشین پیکان، شاسی بسازد و آهن آلات بازار سرمایه در جهان را فراهم کند. کارخانه ذوب آهن اگر صدور سرمایه نیست، پس چیست؟
- ۳- مگر کلانشیکوف را جای ژ ۳ و نفربر روسی را جای ماشین های جیب آمریکائی برای ارتش و سازمان امنیت فراهم نکرد؟ مگر حزب توده (نه کادرهای ساده آن)، کادرهائی مثل عباس شهریاری، کار شناسائی مبارزین کمونیست را انجام نمی دانند؟ آیا می شود جعفریان مشاور سیاسی حزب رستاخیز را فراموش کرد؟ کشور بلغارستان، لبنیات مصرفی بازار ایران را در چارچوب کدام برنامه تهیه می کرد؟ انحصار جنگلهای شمال ایران در دست دولت رومانی، که به خرابه ای تبدیل شد، بر مبنای کدام بدبستان های سیاسی و اقتصادی بود؟

اما حتماً می دانید که انقلاب کبیر اکتبر چه دست آورد بزرگی برای مردم ایران به ارمغان آورده بود. قرار داد ۱۹۲۱ که بموجب آن، هیچ کشور بیگانه ای اجازه غارت منابع زیر زمینی دریای خزر را نداشت.

امروز اگر سناریو "انرژی اتمی حق مسلم ماست" دیگر گوش هر انسان آزاده ای را آزار نمی دهد، برای این است که این آقای پوتین شما، زیرجُلکی و با سرگرم کردن مردم، که لیبرالهای گوناگون هم در این فریب کاری و مخ زدن ها، دست در دست مزدوران جمهوری اسلامی دارند، دلیل اش این بود که قرار داد ۱۹۲۱ را که یکی از ارزنده ترین دست آوردهای انقلاب کبیر اکتبر بود زیر پا گذاشتند و باطل کردند. اگر امروز آن دسته از روشنفکر نماها، ندانند که تأسیس پایگاه جاسوسی آمریکائی در صفی آباد بهشهر و نیز ورود سپاهیان صلح در ایران برای این بود که کار دستبرد به ذخائر زیر زمینی دریای مازندران را آغاز نمایند، توده های آگاه بخصوص مردم خطه ی شمال این مسائل را نیک دریافته بودند. ولی در آن زمان حتی دستگاه رهبری کرملین به رهبری خروشچف، نیز تن به این خیانت نداد. در اینمورد جنگ رادیوئی، که در سالهای ۳۷ به بعد بین ایران شوروی شدت یافته بود، بلاخره به نفع روسیه پایان یافت و شاه پس از مسافرت به مسکو، چراغ سبز اصلاحات ارضی را گرفت و روسیه هم از این چراگاه، سهم خود را بدست آورده بود که ما در بالا بدان اشاره کردیم. ولی شرق و غرب زیر پوشش تبلیغاتی گمراه کننده و باتفاق هم به این خیانت و جنایت، جامه عمل پوشانیدند. و تا به امروز بر سر این مورد هیچ درگیری علنی با هم ندارند.

این مقدمه می تواند زمینه ای باشد، برای تحلیل و بررسی مسائل اکراین و سایر کشورهای فدراتیو روسیه . باید یادآور شد، این درگیری ها نه برای مبارزه با آتلانتیست ها و یا با یانکی های آمریکائی، بلکه خود نشان از مشکلات سرکردگان نظام امپریالستی در پیشبردن سیاست های عملی شان در این سرزمین است. روشن است که لیبرالهای روسیه همانند لیبرالهای دیگر مناطق جهان و نیز مذهبی ها در کشورهای اسلامی، در پیاده کردن سیاست ها و رهنمودهای نئولیبرالیزم به گِل نشسته اند. همانطور که تجربه ایران و یونان نیز نشان میدهد، پیشبرد این سیاست مستلزم زمان است. اما آیا بحران به این جنایتکاران اجازه خواهد داد سیاست خود را پیش ببرند یا نه، بستگی به اتحاد و همبستگی پرولتاریای جهان و عکس العمل توده های کار و زحمت و همینطور مسائلی که در قاره افریقا پیش می رود، خواهد داشت.

زنده باد اتحاد و همبستگی پرولتاریای جهان بر علیه نظام سرمایه داری

سی یک فروردین ۱۳۹۳ برابر با بیستم آپریل ۲۰۱۴
رحیم کریمیان - روزبه کوراغلی